

«سیمرغ» باید پوست بپندازد



توانسته فیلمی را آماده کند. نکته‌ای که برای خود من، آقای تبریزی و دیگران خیلی جالب بود، این است که چقدر این داستان سیمرغ، برای ارگان‌ها جدی است! چه فشاری می‌آورند برای گرفتن سیمرغ! البته نه به ما، به ما که کسی جرئت نمی‌کند فشار بیاورد.

کمال تصمصیم گرفتید به این فشارها توجه کنید.

علیرضا رئیس‌یان: واقعا این‌طور نبود. مثلا فیلمی که سه، چهار جایزه اصلی را برد در همین دسته‌بندی قرار می‌گیرد، گویانکه فارغ از خود موضوع که مثل همان موضوع فیلم دیگری هم بود. چطور ما به فیلمی با مضمون مشابه نگاه نکردیم؟ چون غلط‌های فاحش داشت. ما متوجه شدیم غیر از خود هنرمندان و دست‌اندرکاران خیلیی از نهادها و ارگان‌ها بابت هزینه‌هایی که می‌کنند و احتمالا باید توجهیی داشته باشند چطور این زمینه را می‌چینند؟ و این دو تا فیلمی که گفتید به‌ عنوان اعتراض نامیدند، اگر واقعا کسی باید به عنوان اعتراض آنجا را ترک می‌کرد، آقای رضوی و حاتم‌ی کیا بودند. چون رفتار شایسته و حرفه‌ای از خودشان نشان دادند. چون برابند یک سری اتفاقات حاصلش این است، حالا خوب یا بد. من معتقدم یکی از اتفاقات خوب این بود که متوجه شدیم سینمای ایران الان در نقطه عطف مهمی قرار گرفته است. به آمار دبیر جشنواره فیلم فجر آقای شاهسواری نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که هم به لحاظ تعداد سینماها، هم تعداد تماشاگران، هم استقبال مخاطب و هم شرایط ورودی خود فیلم‌سازان، امسال رکورد ۱۰۰ سال گذشته بودیم. این یعنی سینما دوباره بعد از یک دوره رکود بعد از کرونا و سه سال دولت قبل، به آن توجه واقعی می‌شود. حالا در این موقعیت نقش هرکدام از ما چیست؟ نقش داوران چیست؟ نقش جشنواره و منتقدان چیست؟ و در نهایت نقش تصمیم‌گیرنده‌ها؟ به نظر من و همه داوران الان وقت تغییر است. همان‌طور که در شش‌نوات دیگر هم وقت تغییر است. اگر این اتفاق نیفتد، سال آینده با جشنواره‌ای به مراتب پراعتراض‌تر و پرفرازونشیب‌تر مواجه خواهید شد. بحث دیگری هم هست که صحبت‌هایم را در این بخش تمام کنید. آیا مورد دیگری در جهان سراغ دارید که ۳۰ تا فیلم در مسابقه باشد و سه هزار نفر اهالی رسانه و منتقدان فیلم‌ها را ببینند؟ یعنی برای هر یک فیلم صد نفر رسانه‌ای و منتقد وجود داشته باشند. این ایراد نیست؟ هیچ جشنواره‌ای در دنیا چنین چیزی ندارد.

ابردات ساختاری جشنواره فیلم فجر که قطعا باید حل شود، نکته‌ای هم در ادامه فرمایش شما بگویم که بی‌ربط به صحبت‌های شما نیست. چند روز پیش از آقای مصباح مطلبی نوشتند و موضوع اشاره کردند، اختصاصا بر ساختار پوسیده و بیمارگونه جشنواره فیلم فجر تاکید کردند. از این عنوان که بگذریم، فکر می‌کنم انتقادهای اساسی به ساختار جشنواره فیلم فجر وجود دارد و این فقط منوط به تعویض دبیر جشنواره نیست.

علیرضا رئیس‌یان: هیچ جشنواهای در دنیا نداریم که ۳۰ سال قوانینش تغییر نکرده باشد. تازه آنهایی که مترقی است و نگاه انتقادی به آنها زیاد است و خیلی فراگیر هستند. اصلا جشنواره کن کجا، جشنواره فجر کجا. ولی تغییرات می‌دهند و به‌روز می‌شوند. در این ۳۰ سال هیچ‌کسی شهامت این را نداشته که بگوید این غلط است و انجاش نمی‌دهم. این سیستم جواب نمی‌دهد، من تغییرش می‌دهم.

کمال تبریزی: همه چیز خیلی تغییر کرده است و نقطه ضعفی که دیده می‌شود چون وارد فیلم‌سازی ارگانی شدیم، قصد دارم به این اشاره کنم. شاید هزینه‌ها و سرمایه‌ای که صرف یک فیلم می‌شود یا به عبارتی سرمایه تلف می‌شود و پاسخ‌گویی هم در این مورد وجود ندارد. در بخش خصوصی هر هزینه‌ای که انجام می‌شود، باید یک آورده‌ای داشته

دوری را وارد می‌دانید؟
علیرضا رئیس‌یان: این جایزه‌ای بود که اصلا به ما ربطی نداشت. اعتراضشان را باید به دبیر جشنواره بگویند. یک وقت هم سازندگان اثر به جهت وقت و انرژی که برای تولید کار می‌گذارند، به نظرشان حق با آنهاست. واقعا هم شاید حششان باشد و همچنان معتقدم ما هم ممکن است اشتباه کنیم. می‌توانم اشاره کنم از نظر ما چه ایراد بزرگی وجود داشت که باعث می‌شد کل فیلم آسیب ببیند. این ربطی به پروداکن فیلم یا سوزهای که احتمالا خوب یا بد است، ندارد. این ارزش‌های هنری و غنی درون اثر است که ما نمی‌توانیم ندید بگیریم و بگوییم زحمت زیادی کشیدند. ممکن است زحمت زیادی برای یک فیلم کشیده شود، ولی یک ایراد اصلی همه تلاش‌ها را زیر سؤال ببرد.

درومرد «خدای جنگ» صحبت کنیم؟

کمال تبریزی: به هر حال هر فیلمی یک نقطه قوت دارد و یک نقطه ضعف. نمی‌توانیم از هیچ‌کدام از اینها چشم‌پوشی کنیم. گاهی در برابند دین فیلمی دچار شعفی می‌شویم که نسبت به آن حس مثبت پیدا می‌کنیم. مثال این حرف فیلم «سوسنوز» است که همه این فیلم را دوست داشتیم. فیلم بی‌ایرادی نیست، ولی فیلم خوبی است. در قاعده سینمای حرفه‌ای ما نمی‌کنجد، ولی وقتی فیلم را نگاه می‌کنیم، صداقت و صمیمیتی در فیلم هست که جلب توجه می‌کند. حتی کل بازیگرانش هم به معنای حرفه‌ای که در سینما وجود دارند، نیستند. ممکن است بازیگران محلی باشند. اصلا ممکن است فیلم‌نامه نگاشته‌شده‌ای نداشته باشد و بر اساس یک سری بداهه‌سرایی که در صحنه اتفاق افتاده این شرایط به وجود آمده و بعدتر در تدوین کنار هم گذاشته شده، ولی در مجموع فیلم دلنشینی است و فکر می‌کنم همان اوایل همه با هم هم‌نظر بودیم به این فیلم جایزه ویژه هیئت داوران را اهدا کنیم. فقط هم در بخش کارگردانی کاندیدا شده بود چون واقعا هم نقطه قدرتش کارگردانی بود. من فقط در مورد فیلم «خدای جنگ» نمی‌گویم، در مورد گروهی از این فیلم‌ها می‌گویم که فیلم‌های دیگر هم شامل می‌شود. شما فیلمی می‌بینید که پروداکن خیلی سنگینی دارد، در «ناتور دشت»، هم به همین صورت بود و البته فیلم‌هایی از این دست. هزینه مالی خیلی زیادی برای فیلم انجام شده. فیلم «صیاد» هم همین ویژگی را دارد. اما در نگارش فیلم‌نامه و مدل کارگردانی و شکل بازی‌هایی که می‌بینید، راضی‌کننده نیست. حداقل مجموعه این داوران را راضی نکرد. این‌قدر دچار ضعف‌های متعددی در فیلم‌نامه، تدوین، بازیگری و پایان‌بندی هستند که به فیلم لطمه زده است. فیلم اخلاقی ما هم به لحاظ پایان‌بندی دچار معضلی است که نمی‌شود از آن چشم‌پوشی کرد. در بخشی از فیلم لحن فیلمی از دست می‌رود. یکباره وارد فضای اکشن عجیب و غریبی می‌شود که اصلا با ساختار مجموعه خود فیلم همخوانی ندارد. طراحی آن باعث می‌شود لطمه جدی بخورد و داوران از آن فاصله بگیرند. به هر حال این مجموعه داوران وقتی فیلم‌ها را نگاه می‌کردند، تأثیری که از فیلم‌ها می‌گرفتند، تعیین‌کننده بود. ما در وهله اول یک انتخاب اولیه کردیم که اساسا فیلم در مرحله برای نامزدی بماند یا کلا کنار گذاشته شود. خیلی از فیلم‌ها در آن فرجه حذف شدند. اگر فیلمی حتی یک نامزدی داشت، باقی می‌ماند. ما حتی سعی کردیم جزئیات فنی را هم لحاظ کنیم، حتی در برخی فیلم‌هایی که در مجموع دوست‌داشتنی نیستند، مثلا «تاکسیدرمی» فیلم دوست‌داشتنی‌ای نیست و فیلمی نیست که مخاطب را جذب کند و داوران را هم جذب نکرد، ولی در بخش‌های فنی و طراحی صحنه به هر حال سعی خودش را به نحو احسن انجام داده بود که در نامزدی‌های ما نبود. بالاخره دیده می‌بود که انتظار ما را برآورده نکرد. بابت همه آن افتابه و لگنی که فراهم شده برای اینکه اتفاقی بیفتد ولی هیچ برابندی نداشت، فیلم‌هایی بودند که متأسفانه نتوانستند در رقابت حضور داشته باشند و کنار فیلم‌هایی قرار بگیرند که در عین سادگی تأثیرگذار بودند. فیلم‌هایی که از نظر حسی هیچ ارتباطی با مخاطب برقرار نمی‌کردند، یکی دو فیلم بود که از این دایره دآوری کنار گذاشته شد. می‌خواهم بگویم مجموعه فرایند تولید و هزینه‌هایی که روی فیلم شده، بالاخره دیده می‌شود.

اگر نمی‌توانیم پروداکشن به هر حال فیلم‌هایی هست که سخت و دشوار است، ولی می‌بینیم که فیلم اثر لازم را نمی‌گذارد. در نقطه مقابلش فیلم «بچه مردم» را ببینید. کم کار نکردند. دکورهایی که زنده، طراحی‌ای که صورت گرفته، تنوع صحنه‌ای که رعایت شده، فقط این کافی نیست، فیلم باید روی مخاطب هم اثر بگذارد. فیلمی مثل «بچه مردم» به اینکه کار اول کارگردانش است، اما تأثیرگذار است و مورد توجه خیلی‌ها قرار می‌گیرد. بنابراین فیلم‌های دیگری که زیاد حس را در داورها ایجاد نکرده، طبیعی است که مورد توجه هم واقع نشده و نمی‌تواند در رسته‌های زیادی نامزد شود و نمی‌تواند جایزه‌ای بگیرد.

علیرضا رئیس‌یان: در یک دوره از مراسم اسکار نسخه اول فیلم «اوتار» حضور داشت که آن زمان رکورد پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینما را هم زد. همان زمان یک فیلم ساده هم بود برای همسر سابق ایشان، کارترین بیگلو، «منجه رنج». فیلم «اوتار» سه جایزه مربوط به پیشبرد صنعت سینما را دریافت کرد ولی «کنجه رنج» پنج جایزه اصلی گرفت. ما باید به یک مجموعه‌ای برسیم و فکر کنیم که چه چیزی واقعا سینمای ایران را به پیش می‌برد. این هیچ ربطی به مصلحت و این موارد هم ندارد. با ذکر این نکته که «ناتور دشت» فیلم خوبی بود اما فیلم درخشانی نبود. سکانسی که در ۱۰ دقیقه اول بچه کم می‌شود، فردی که او را زردیده به سراغ بچه می‌رود، از این به بعد بیننده جلوتر از فیلم است. در فیلم‌نامه چنین چیزی بوده، در کارگردانی هم دیده شده و در نهایت منت‌تاز هم به این دقت نکرده‌اند! تمام اضطراب مولویان وقتی در ماشین کنار هادی حجازی‌فر می‌نشیند، دیگر برای بیننده جذابیتی ندارد. با حذف این‌س موارد چقدر فیلم می‌توانست مترقی‌تر باشد. یا در بحث فیلم‌برداری، چون امسال این بخش خیلی تخصصی‌تر نگاه شده و حضور آقای علیرضا زرین‌دست، کمال تبریزی و بنده که به این بخش نگاه دقیقی داشتیم، نظر ما این بود فیلم‌برداری انتخاب شده که در خدمت مفاهیم فیلم باشد. در نامزدی‌های ولی بخش هم سعی کردیم به حرفه‌ای‌های قدیمی احترام بگذاریم ولی به استعداد‌های جدید نه‌فقط صرف جوان بودن، اینکه استعداد و خلاقیتی را دارند و امکان پیشرفت برای آنها فراهم است. نگاه کنیم، در مورد پایان‌بندی برخی فیلم‌ها هم مشکل داشتیم. مثلا فیلم «رها» چهار تا پایان دارد، مگر می‌شود؟ این مشکل کمی نیست، واقعا چطور به این موضوع دقت نشده؟ ما موظف هستیم دقت کنیم و بگوییم. حتی جایزه تهیه‌کننده فیلم اول را هم بر حسب معیارهایی انتخاب کردیم، کسی که فارغ از سیستم‌های سرمایه‌گذاری ارگانی و دولتی



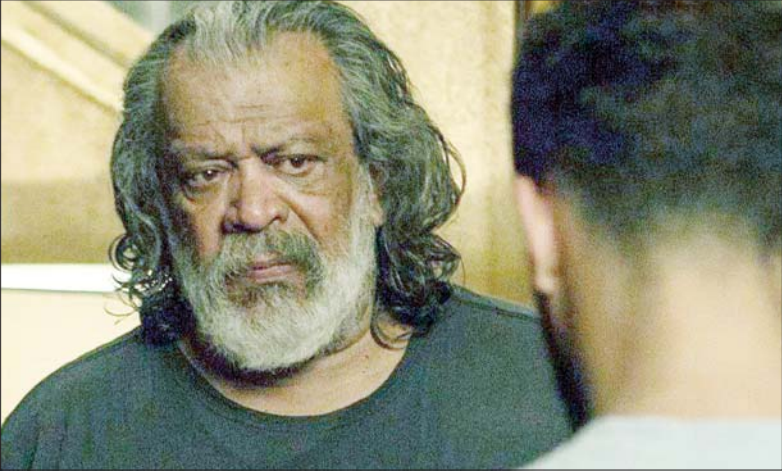
فیلم **چطور گذشت و ظاهرا زمه‌هایی مبنی بر ارکان فیلم‌هایی که در بخش جنبی دیدیم، وجود دارد.**

علیرضا رئیس‌یان: اصلا چرا این فیلم‌ها نباید در بخش مسابقه حضور داشته باشند؟ اصلا جشنواره یعنی این. جشنواره جایگاه این نوع فیلم‌هاست به جای فیلم‌های تجاری و کم‌مدی که اصلا محل نمایش آنها جشنواره نیست. چرا همچنان این فیلم‌ها بیرون از دایره رقابت جشنواره قرار می‌گیرند؟ این هم پرشی است که همه با هم باید داشته باشیم و بایستیم بر سر اینکه این اتفاق دیگر تکرار نشود. در مورد ساخت فیلم‌های ارگان‌ها من خیلی رادیکال‌ترم، معتقدم اصلا چرا این ارگان‌ها باید فیلم تولید کنند؟ مگر در دنیا این کار انجام می‌شود؟ هر فیلمی با هر موضوعی برای هر جایی مهم است، یک سازمان درست می‌کنند، کلی نیرو استخدام می‌کنند و در طول سال هزینه می‌کنند تا فیلمی ساخته شود؟ این سازمان‌ها می‌توانند هر موضوعی که دلشان خواست سفارش دهند و بیرون ساخته شود. **کمال تبریزی:** یعنی در واقع بخش خصوصی حمایت کنند.

علیرضا رئیس‌یان: همه جا همین‌طور است. راجع به مسائل جنگی آیا پتانگون خودش فیلم می‌سازد؟ ما برای هر چیزی اول تشکیلاتی تعریف می‌کنیم و بعد برای آن خروجی می‌تراشیم. یک موضوع شبیه دو تا فیلم یک جا و دو فیلم یک جای دیگر تولید شده. واقعا یعنی چه؟ راه غلط را هر جا تصحیح کنیم، به نفع خودشان است. این روند نتیجه نمی‌دهد. نه در داخل بیننده‌ای دارد نه در خارج و نه در رقابت با هم در جشنواره اتفاقی می‌افتد. با هر دیدگاهی این کار اشتباه محض است ولی همچنان تکرار می‌شود. با هم رقابت هم می‌کنند.

آقای تبریزی درباره «قاتل و وحشی» حرف بزنیم؟ در روزهای اخیر یکی از همکاران شما در شورای صنفی نمایش، خانم نرگس آتیار، به بهانه عدم نمایش این فیلم از حضور در این شورا انصراف داد. مجاری این فیلم هر روز پیچیده‌تر می‌شود و ظاهرا سرنوشت نامعلومی دارد. این فیلم چه مسیری را طی می‌کند؟

کمال تبریزی: فکر می‌کنم در مورد عدم نمایش «قاتل و وحشی» سازمان سینمایی، وزارت ارشاد و دبیر جشنواره اشتباه کردند. چون همه این فیلم‌ها پروانه نمایش یک بار نمایش در یک سانس در جشنواره را داشتند و قاعدتا این فیلم باید نمایش داده می‌شد. علی‌رغم همه فشارهایی که وجود داشت که متأسفانه فقط برای فیلم «قاتل و وحشی» هم نبود و در مورد «پیریسر» هم گترانی بزرگی از طرف مسئولان ارشاد وجود داشت اگر فیلم «پیریسر» را نمایش بدهند چه اتفاقی می‌افتد؟ نه‌تنها اتفاقی نیفتاد، بلکه همه روی این فیلم صحه گذاشتند که فیلم خوبی است. من یک نقد منفی درباره «پیریسر» نخواندم. ممکن است چیزی پرت‌ویلا کسی نوشته باشد، ولی واقعا در جریان نقد سالمی که در سینما باید وجود داشته باشد، همه طرفدار این فیلم بودند. بنابراین راه برای ارگانش هم باز شد. الان همه به یک آرامشی رسیدند و مسئولان هم می‌دانند که این فیلم هم می‌تواند مثل فیلم‌های دیگر ارکان شود. من امیدوارم «پیریسر» جزء فیلم‌هایی باشد که برای اسکار انتخاب می‌شود و ممکن است در اسکار هم اتفاقات خوبی برایش بیفتد. در جشنواره فجر که نتوانست شرکت کند. در مورد «قاتل و وحشی» هم همین‌طور است. خیلی‌ها فیلم را دیدند. فیلمی است که پروانه نمایش خارج از کشور دارد! چرا نباید در داخل فیلم دیده شود؟ من فکر می‌کنم اشتباه بزرگی مرتکب شدند و حتی فکر می‌کنم اگر من جای دبیر جشنواره بودم، اصرار می‌کردم که علی‌رغم همه فشارهایی که وجود دارد، حتما فیلم را نمایش بدهند و مطمئنم که اگر



نمایش داده می‌شد، مثل «پیریسر» همه متوجه می‌شدند هیچ اتفاق عجیب و غریبی در این فیلم نیفتاده است. «قاتل و وحشی» فیلم‌نامه دارد و کار خودش را می‌کند. از نظر مفهوم حرف شایسته‌ای می‌زند و خیلی راحت می‌توانست به نمایش دربیاید. متأسفانه من آن را شکلی از جزئی می‌بینم؛ چراکه همه فیلم‌های بخش ویژه شرایطشان شبیه فیلم «قاتل و وحشی» بود. اینکه این فیلم استثنا شود و اجازه داده نشود یک سانس در جشنواره نمایش داده شود، درست نبود، با توجه به کارگردانش آقای حمید نعمت‌الله که خیلی صبوری می‌کند و جوسازی نمی‌کند و حاشیه برای فیلم ایجاد نمی‌کند و در طول سال‌ها و همیشه همراه مسئولان ارشاد بوده است، بی‌انصافی بزرگی در حق کارگردان فیلم شد که از نمایش فیلمش جلوگیری شد. امیدوارم با یک هم‌اندیشی و دورنگری دوباره این شرایط فراهم شود که این فیلم بتواند نمایش داده شود.

علیرضا رئیس‌یان: این یکی از مواردی است که فرامتی است. هیچ ربطی به جریان طبیعی خود سینما ندارد و بارها هم تکرار شده است. فیلم «مارمولک» آقای تبریزی، «پرونده هوانا»ی خود من و خیلی از فیلم‌های دیگر که حتی در جشنواره هم نشان داده شده و نامزد شدند و جایزه گرفتند و امکان نمایش پیدا نکرده‌اند. به نظر من یک نوع زورآزمایی قدرت‌های بیرون از سینما و دایره فرهنگ است. چون اینجا میدانی است که همه‌کس می‌توانند اظهارنظر کنند، فشار بیاورند و اعمال قدرت کنند. ولی در اقتصاد کسه نمی‌توانند چون مختصات خودش را دارد. در سیاست کمتر می‌توانند. ولی فرهنگ و هنر خیلی راحت است. همه خودشان را صاحب‌نظر می‌بینند. غیر از آن بسته به شرایط و امکاناتشان می‌توانند اعمال نفوذ کنند. بعد از آن ما سیستم دفاعی نداریم. هنرمندان چه سیستمی دارند که از خودشان دفاع کنند و در مقابل یک حرف کاملا غلط و اشتباه ایستادگی کنند و بگویند این تعبیری که می‌گذارید، تعبیر برساخته خود شماست. فیلم ذاتا چنین خاصیتی ندارد که بتوان از این تعبایر به آن اطلاق کرد. بعدها می‌بینید همان فیلم‌ها آمدند و هیچ اتفاقی هم نیفتاده و همان آدم‌های مخالف گفتند ما اشتباه نکردیم. همواره این شرایط به همین منوال پیش می‌رود که فسط انکار خود ما باید هوای هم را داشته باشیم و پاسداری کنیم از آن چیزی که به خاطرش انرژی، وقت و اندیشه گذاشتیم.

امسال سیمرغ مردمی هم بعد از چند سالی که حواشی و حرف و حدیث درموردش زیاد بود، به جشنواره برگشت و باز هم همان اتفاق تکرار شد. انکار ذات این سیمرغ چنین مسائلی را همراه دارد و فکر می‌کنم این هم از مواردی است که نیاز به اصلاح اساسی دارد.

علیرضا رئیس‌یان: باید شکل و موقعیتش تغییر کند. هیچ راه دیگری هم نیست. فکر می‌کنم در هر سال تکرار کنید، نشان‌دهنده عدم کارآمدی شماست. مردم که فیلم می‌بینند و نظرشان را می‌دهند. این مشکل را به راحتی می‌توان حل کرد. امسال دیر شده بود و دبیر جشنواره آنان‌ها مام حکمش را گرفت و عला هیچ کاری نمی‌شد کرد. الان که وقت هست برای سال آینده از الان دبیر و دبیرخانه معین شود، پیشنهادات ما گرفته و نواقص برطرف شود.

کمال تبریزی: فکر می‌کنم یکی در سیستم‌رای گیری وجود دارد و مدلی که فیلم از نگاه تماشاگران انتخاب می‌شود، درست نیست. نمی‌دانم شاید فرض کنید حتی اگر این رای‌گیری در فضای مجازی صورت بگیرد، خودش مسئله‌ساز باشد. البته در دوره‌هایی هیچ مشکلی وجود نداشته و فیلم‌هایی انتخاب شدند که به‌طور طبیعی نظر هیئت داوران را هم داشتند و به هم نزدیک بودند. امسال دیگران هم از این فاصله زیاد دچار حیرت شدند. فکر می‌کنم باید کمی روی این موضوع قیقت‌تر بشویم و مدلی را ایجاد کنیم که توان از آن سواستفاده کرد و آرای مردمی را به شکل واقعی دریافت کرد. ممکن است سال‌هایی منطبق باشد با آرای دآوری، ممکن است به هم هیچ ربطی نداشته باشند و اینکه چطور این رای‌گیری شکلی می‌گیرد و چطور می‌شود اشکالاتش را تا حد ممکن برطرف کرد. البته جایی هم نمی‌شود کاری کرد. بالاخره جای کلک‌زدن در همه زمینه‌ها وجود دارد، ولی باید با آن مقابله کنند که به نتیجه‌های برسند که کمترین اشکال را داشته باشد و دقیق‌تر باشد.

علیرضا رئیس‌یان: یک سالی بادم هست که در دولت آقای احمدی‌نژاد گفتند منتقدان، مردم و داوران رای اصلی‌شان خیلی نزدیک و شبیه به هم هست. گفتند این درست است. واقعا می‌شود داوران با نگاه تخصصی، منتقدان با نگاه تقدیرآیانه و جدی و مردم که بیننده عادی هستند، همه رای‌شان به یک فیلم برسد؟ اصل این جایزه در جشنواره به نظرم مورد تردید است. باید برای آن یک سازوکار دیگر تعریف کنند و ببینند چه می‌شود کرد. در غیر این صورت این تناقض خواهد بود.

کمال تبریزی: اصلا این جایزه را باید به چه کسی بدهند؟ ممکن است یک فیلمی بازیگرش باعث شود رای مردمی بیاورد. این جایزه را باید بدهند به بازیگر به عنوان بهترین فیلم.

علیرضا رئیس‌یان: این را هم اضافه کنم که امروز یک منتقد بادانش و باخلاق، شاپور عظیمی از میان ما رفت. به هر حال مجموعه سینما به همه ما به یک شکل مربوط است، هرکدام در جایگاه خودش. من واقعا در برخی از نقدهایی که به جشنواره و دآوری مربوط می‌شد، حسن نیت ندیدم. وقتی هست که پرسش می‌کنید و ما پاسخ می‌دهیم یا قانع می‌شوید یا خیر. وقتی هست که برخی مسائل شخصی خودشان را وارد عرصه اعتراض می‌کنند و این‌را روی صفحه اول روزنامه‌ای که به هر حال مربوط به یک جریان و حزب است، می‌آورند. این یعنی چه؟ می‌خواهم بگویم همه ما کمی این میان‌مایگی را رد کنیم. فیلم‌های امسال این بوده، ما که مدافع این نبوده‌ایم. داوطلب این بخش هم نبودیم. اما مسئولیتش را همه قبول می‌کنیم. از آرا دفاع اساسی نکردیم. سعی کردیم توضیح بدهیم چطور به این نتیجه رسیدیم و این نافی اشکالات خود ما و دیگران نیست. ولی چرا این‌قدر پرخاش و هتاکی و بی‌حرمتی؟ ما از دبیر محترم جشنواره درخواست کردیم فردای اختتامیه کنفرانس مطبوعاتی با حضور داوران بگذارند که مرسوم هم هست و اتفاق نیفتاد. ما آماده‌ایم هر ایرادی هست بشنویم و اگر چیزی به نظرمان برسد، بگوییم. چرا حرف‌های رکیب و تند؟ مگر چه اتفاق عجیبی افتاده، اصلا اصل این سیمرغ مگر چقدر ارزش دارد؟ مسائل سینمای ایران در همین سیمرغ خلاصه می‌شود؟ اگر خلاصه می‌شود حرف دوستانی که بی‌حرمتی کردند، درست است. اگر نه به چیزهای بزرگ‌تری فکر کنیم. سینما باید تغییر کند و مبنای سینمای ایران باید تغییر کند. اگر نکند همه با هم راه بیهوده‌ای می‌رویم. باید مدافع این باشیم که این شرایط در همه ابعادش دیگر قابل استمرار نیست.